

# اخلاق مبلغان

## رحمت در تبلیغ

محمدعلی پیلتن

مقدمه

عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ اِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ (و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می خواند و آنها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند!)

از آنجا که نبی اکرم ﷺ اسوه همگان است، ﴿لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ «مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستخیز دارند و خدا را بسیار یاد

تعلیم و تزکیه انسانها، رسالت اصلی انبیای الهی و امامان معصوم علیهم السلام می باشد. انسان به مدد علم، شناخت و معرفت خود را نسبت به حقایق هستی توسعه می دهد و از رهگذر تزکیه، به سجایای اخلاقی دست می یابد و توفیق انجام اعمال صالح را به دست می آورد. بهره گیری از علوم و معارف حقیقی، زمانی سودمند است که به تزکیه و تطهیر نفس بینجامد و پلیدیها و آلودگیهای آن را در سه سطح اعتقادات، ملکات و اعمال بزداید.

خدای متعال در قرآن کریم، «تزکیه» و «تعلیم» را توأم با یکدیگر، به عنوان فلسفه بعثت رسول اکرم ﷺ بیان می کند و می فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا

۱. جمعه / ۲.

۲. احزاب / ۲۱.

می کنند.»

مبلّغی که با هدف رشد و هدایت مخاطب خویش پای به میدان تبلیغ نهاده است نیز نمی تواند صرفاً به تعلیم افراد اکتفا کند؛ بلکه باید همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مخاطبین خود را علاوه بر تعلیم، به اخلاق فاضله و اعمال صالحه رهنمون سازد تا آنان به کمال انسانیت نائل آیند.<sup>۱</sup>

### شیوه تزکیه

اما جای این پرسش وجود دارد که حضرات معصومین علیهم السلام چگونه به تزکیه و تطهیر نفوس می پرداختند؟ به نظر می رسد که یکی از شیوه های مؤثر تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام برانگیختن احساسات عالی افراد بوده است. این بزرگواران از هر وسیله مشروعی که بر عواطف انسانی افراد تأثیر مثبتی داشت، بهره می جستند و از این طریق آنها را به ایمان و عمل صالح دعوت می نمودند. سیره تربیتی از رفتارهایی چون: حُسن خلق، محبت و ملامت، مدارا، عفو و گذشت، تغافل، بدی را با خوبی پاسخ دادن،

آسان گیری، اکرام، احسان و ... مملو است. با دقت در هر یک از این رفتارها می توان تأثیر آنها را در برانگیختن عواطف و احساسات افراد مشاهده کرد. برخوردهای کریمانه و توأم با مهربانی، مخاطب را از نظر عاطفی و روانی آماده پذیرش حق (هدایت) می کند و او را از جهل، عناد و غفلت می رهااند. شاید بتوان این سبک از رفتارهای تبلیغی و تربیتی را مصداقی از «ابلاغ مبین» دانست، چنان که

خدای متعال در قرآن کریم خطاب به نبی اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «به سبب رحمتی که از خدا به تو عنایت شد، نسبت به مردم نرم شدی و اگر خشن و سخت دل بودی، بدون شک از پیرامونت پراکنده می شدند.»<sup>۲</sup> اگر پیامبر صلی الله علیه و آله مهربان و نرم خو نبود، مردم به سوی معارف اسلامی جذب نمی شدند، تا جایی که گویی پیامی از طرف خدا، دریافت نکرده اند.

ما آماده سازی روانی و عاطفی مردم برای پذیرش حق، و رهااندن آنها از جهل، عناد و غفلت را «اصل رحمت در تبلیغ» می نامیم و در این مقاله برآنیم تا این اصل را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار دهیم.

۱. برای اطلاع بیشتر رک: المیزان، سید محمدحسین طباطبائی، ترجمه سید محمد باقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۹، ص ۴۴۷ و ج ۱، ص ۴۹۶.

۲. «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» آل عمران/ ۱۵۹.

## مفاهیم تحقیق

## ۱. اصل

آنچه از کاربرد این واژه درباره موضوع اصول و قواعد تبلیغ مورد نظر است، عبارت است از: قاعده‌های کلی و مستفاد از آیات و روایات<sup>۱</sup> که همواره باید بر تمام اعمال، فعالیتها و روشهای تبلیغی حاکم باشد تا بتوان به ثمربخشی این فرآیند، اطمینان داشت. این اصول، اصولی کلان هستند که به یک زمان، یا یک جامعه و مکان خاص اختصاص ندارند و مبلغان در هر زمان و مکان و با هر نوع ملیت و قومیتی، باید آنها را مراعات کنند. اصول و قواعد تبلیغ، از آن جهت که دستورالعملهایی (بایدها و نبایدهایی) برای هدایت رفتارهای مبلغ هستند و همگان باید آنها را مراعات کنند، بسیار شبیه «قوانین» و «هنجارهای اجتماعی» هستند.<sup>۲</sup>

## ۲. تبلیغ

مبلغ دین کسی است که «دین را به انتهای مقصدش می‌رساند»؛ یعنی پیام دین را، که همان احکام و عقاید و اخلاق است، به

درستی برای مردم تبیین می‌کند تا حجت بر آنان تمام شود و از این طریق، زمینه اصلاح عقاید و اعمال مردم و در نهایت، گسترش عبودیت در عالم فراهم گردد.

قرآن کریم رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را به عنوان مبلغ دین معرفی می‌کند و رسالت او را نیز در همین ابلاغ منحصر می‌داند و می‌فرماید: ﴿وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اخذُوا فِئَانُ تَوَئبْتُمْ فَاعلمُوا أَنَّمَا عَلَي رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾<sup>۳</sup> «خدا و پیامبرش را اطاعت و پروا کنید. اگر رویگردان شوید، بدانید که وظیفه پیامبر ما رسانیدن پیام روشن خداوند است.»  
﴿مَّا عَلَي الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾<sup>۴</sup>  
«وظیفه‌ای جز رسانیدن پیام بر عهده پیامبر نیست.»

نویسندگان و اندیشمندان اسلامی، درباره تبلیغ تعاریف مختلفی ارائه کرده‌اند که با بررسی بیشتر می‌توان دریافت که تمام این تعاریف به همان معنایی که ما بیان کردیم، بازگشت می‌کند. برای مثال تبلیغ یعنی «رساندن یک پیام از کسی به کس دیگر»،<sup>۵</sup> یا

۱. رک: جلسه اول درس خارج رسانه، آیت‌الله احمد عابدی (پایگاه اطلاع‌رسانی احمد عابدی: [www.ahmad-abedi.ir](http://www.ahmad-abedi.ir)).

۲. برای اطلاع بیشتر رک: فرهنگ علوم اجتماعی، بیرو آلن، باقر ساروخانی، ص ۲۴۹-۲۴۸.

۳. مائده / ۹۲.

۴. مائده / ۹۹.

۵. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۱۹۱.

«رساندن پیام با استفاده از ابزار مناسب و مؤثر» است.<sup>۱</sup> یکی از صاحب نظران پس از بیان ۲۳ تعریف از تبلیغ و مقایسه آنها با یکدیگر، تبلیغ را چنین تعریف می‌کند: «تبلیغ شاخه‌ای از ارتباطات است که از طریق ابلاغ و رساندن دین اسلام به کمک وسایل ممکن و مشروع، می‌خواهد مردم را به سوی اسلام متمایل سازد.»<sup>۲</sup>

### ۳. رحمت

«رحمت» مهربانی و رقتی می‌باشد مقتضی احسان است و نسبت به شخص دیگر اظهار می‌شود؛<sup>۳</sup> اما گاهی فقط درباره «مهربانی» و گاهی نیز فقط در «احسان» به کار می‌رود. زمانی که خدا با «رحمت» وصف شود، مراد از آن فقط «احسان» است، نه رقت قلب، لذا روایت شده است که رحمت از سوی خدا، انعام و تفضل است و از سوی

آدمیان، رقت قلب و عاطفه<sup>۴</sup>. از امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در توصیف خداوند به صفت رحمت، نقل شده است: «رَحِيمٌ لَا يُوصَفُ بِالرَّقَّةِ»<sup>۵</sup>

علامه طباطبایی ذیل تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌فرمایند: «رحمت، انفعال و تأثر خاصی است که هنگام مشاهده کسی که محتاج است، بر قلب عارض می‌شود و شخص را به رفع احتیاج و نقیصه وی وادار می‌کند. این معنی به حسب تحلیل، به عطا و فیض برمی‌گردد و خداوند سبحان به همین معنی به رحمت، توصیف می‌شود.»<sup>۶</sup>

این رقت قلب، در رفتار و به طریق اولی در تبلیغ، به صورت ملاحظت، ملاینت، محبت، مودت، عفو و صفتح، حُسن خلق، رفق و مدارا، تغافل، و... ظاهر می‌شود.

۴. «انَّ الرَّحْمَةَ مِنَ اللَّهِ إِنْعَامٌ وَإِفْضَالٌ وَمِنَ الْآدَمِيِّينَ رَقَّةٌ وَتَعَطُّفٌ». ر.ک: المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، ص ۳۴۷.

۵. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹.

۶. و أما الوصفان: الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، فهما من الرحمة، و هی وصف انفعالی و تأثر خاص یلم بالقلب عند مشاهدته من یفقد أو یحتاج إلی ما یتم به أمره فیبعث الإنسان إلی تممیه نقصه و رفع حاجته، إلا أن هذا المعنی یرجع بحسب التحلیل إلی الإعطاء و الإفاضة لرفع الحاجة و بهذا المعنی یتصف سبحانه بالرحمة. نک: المیزان، علامه طباطبایی، ج ۱، ص ۱۸.

۱. قرآن و تبلیغ (بررسی آیات و روایات در روش تبلیغ دین)، محسن قرائتی، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۴ش.

۲. تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، محسن خندان، ص ۶۹، به نقل از: تبلیغ در قرآن، علی اصغر الهامی نیا، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه سپاه، تهران، بی تا.

۳. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی، دارالعلم الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴۷.

کانونی دارد غیر از کانون عقلی و فکری، به نام کانون احساسات که آن را نمی‌توان نادیده گرفت. توافق و هماهنگی با احساسات و تا حدی اشباع احساسات عالی و رقیق بشر از [جمله] شرایط غنی بودن محتوای یک پیام است.<sup>۱</sup>

با اندک تأملی می‌توان دریافت که خدای متعال، به احساسات و نیازهای عاطفی بشر به نیکوترین وجه پاسخ داده و به تقویت، تصحیح یا تعدیل آنها پرداخته است. به طور مثال، پیوند میان پدر و مادر با فرزند بسیار قوی است و از سوی اسلام در حدّ عالی به رسمیت شناخته شده است:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾<sup>۲</sup> «خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید!»

مسائل دیگری چون صله رحم، نوع دوستی، یتیم‌نوازی، روابط حسنه، انفاق و احسان، ایثار، دستگیری از درماندگان، تحکیم روابط خانوادگی، میهمان‌نوازی و دهها مقوله دیگر اخلاقی که

## تعریف اصطلاحی «رحمت در تبلیغ»

با مطالعه آموزه‌های اسلامی، اعم از آیات و روایات و با واکاوی آثار اندیشمندان معاصر شیعی، می‌توان «اصل رحمت در تبلیغ» را این‌گونه تعریف کرد: «رحمت در تبلیغ، قاعده‌ای تربیتی است که از طریق برخوردی مهربانانه و ملایمت‌آمیز با مخاطب، منجر به ایجاد و تعمیق انس مخاطب با حقیقت می‌گردد.»

براساس تعریف مذکور، فلسفه به کارگیری اصل «رحمت» در تبلیغ، زمینه‌سازی برای جذب افراد و عمق بخشیدن به ایمان می‌باشد. ملایمت معقولانه موجود در اصل رحمت، از جمله ویژگیهایی است که موجب تأثیر آن بر فضای روانی و عاطفی مخاطب می‌گردد و با رها کردن وی از لجاجت، عناد، نفرت و غفلت، او را آماده پذیرش حق می‌سازد.

البته باید توجه داشت که اصل رحمت هم در محتوای پیام تبلیغی و هم در نحوه برخورد مبلغ با مخاطب جریان دارد.

شهید مطهری<sup>رحمه‌الله</sup> درباره جایگاه اصل رحمت در محتوای تبلیغ می‌فرماید: «انسان

۱. حماسه حسینی، شهید مطهری، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲. نساء/ ۳۶.

در تعالیم دینی بر آنها تأکید شده، هر یک به نوعی عواطف و احساسات مردم را اشباع می‌کند و حضور یکایک آنها در زندگی انسانها ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و طرح و تقویت آنها در پیام الهی سبب می‌شود که مردم آن را در عینیت زندگی خود بیابند و ضرورت دین را به طور ملموس احساس کنند.<sup>۱</sup>

البته بحث ما به رحمت در نحوه تبلیغ یک مبلّغ مربوط است که در شکلهای مختلفی همچون: حُسن خلق، مدارا، تغافل و ... ظاهر می‌شود و بحث «اصل رحمت در محتوای تبلیغ» در این مقال نمی‌گنجد.

در پایان بحث مفهوم‌شناسی اصل رحمت، توجه به چند نکته ضروری است:

### ۱. اصالت رحمت در تبلیغ

رحمت در تبلیغ، یک اصل است؛ یعنی قاعده‌ای کلی می‌باشد که از آیات و روایات به دست آمده است. بر اساس این اصل، مبلّغ باید در تمام فعالیت‌های تبلیغی خود، شأنی از شئون رحمت را که متناسب با جنس فعالیت تبلیغی اوست، رعایت نماید؛ مثلاً اصل

رحمت در تبلیغ برای کودکان، به صورت محبت و ملاحظت جلوه می‌کند؛ همچنان‌که در تعامل با مردم، این اصل خود را در حُسن خلق نشان می‌دهد. به همین صورت می‌توان جایگاه مدارا، تغافل، عفو، گذشت و سایر مصادیق رحمت را مشخص کرد.

### ۲. جریان رحمت بر مدار حق

«عبودیت و قرب الهی، ارزش نهایی و اصیل و مقصد حقیقی [انسان] است و بقیه، همه وسایل هستند و آن هدف است که همه وسایل (یعنی گفتار، رفتار، اخلاق و احکام) را جهت می‌دهد و توجیه می‌کند و در عین حال، همه آنها را مشروط و مقید به خود می‌گرداند. به عبارت دیگر، همه آن وسایل تا [زمانی که] معطوف به مقصد نهایی باشند و سیر انسان را به سوی هدف غایی تسهیل و تسریع کنند، مطلوب، مجاز و مشروع می‌باشند و در غیر این صورت، غیر ارزشی یا ضد ارزشی خواهند بود.»<sup>۲</sup>

به تصریح روایات، مدارا و مسالمت، که از مصادیق رحمت هستند، تا جایی ارزشمند می‌باشد که زمینه و هن به اسلام و

۲. «استاد مصباح و ده نکته در باب تئوری خشونت و تروریسم»، پیمان احسان‌بخش، فصلنامه نقد و نظر، ۱۳۷۹، شماره ۱۴ و ۱۵، ص ۳۴۴.

۱. تبلیغ در قرآن، علی‌اصغر الهامی‌نیا، قسمت «علل و انگیزه‌های نفوذ»، مورد سوم.

زمانی که فرد یا اجتماع، دشمن خدا و دین و انبیای الهی نشده‌اند، می‌توان با آنها همراه با رحمت و مدارا رفتار کرد؛ ولی اگر کسانی بخواهند آگاهانه و از سر عناد و پس از اتمام حجت، خلاف مسیر هستی حرکت کنند و اباحه‌گری و حیوانیت را رواج دهند، باید با زور در مقابل این ظلم و بی‌نظمی بزرگ ایستاد تا موانع تکامل انسانها برطرف، و احکام سعادت‌بار اسلام حاکم شود. البته این قاطعیت، از منظری وسیع‌تر، خود رحمتی برای آدمیان محسوب می‌شود. در قرآن نیز به این معنا اشاره شده است:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾<sup>۲</sup> «محمد ﷺ رسول خدا است و کسانی که با اویند، بر کافران سخت‌گیر [و] با یکدیگر مهربان هستند»

#### رحمت در سیره معصومین ﷺ

دایره مهربانی و رحمت حضرات معصومین ﷺ به قدری وسیع بود که حتی مخالفان ایشان را نیز شامل می‌شد. موارد بسیاری از سیره این بزرگواران مشاهده می‌شود که تنها با یک برخورد کریمانه، از مخالفی سرسخت، محبّی مخلص

ورود به باطل را فراهم نسازد و شخص مبلغ به واسطه آن از مدار حق خارج نشود:

«مَا مِنْ عَبْدٍ وَلَا أُمَّةٍ دَارَى عِبَادَ اللَّهِ بِأَحْسَنِ الْمُدَارَاةِ وَلَمْ يَدْخُلْ بِهَا فِي بَاطِلٍ وَ لَمْ يَخْرُجْ بِهَا مِنْ حَقٍّ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ نَفْسَهُ تَسِيحًا وَ زَكَّى أَعْمَالَهُ؛<sup>۱</sup> هیچ غلام و کنیزی [زن و مردی] با بندگان خدا به نیکی مدارا نکرد و به واسطه آن در باطل وارد نگردید و از حق خارج نشد، مگر اینکه خداوند، نفس کشیدنش را تسیح قرار داد و اعمالش را تزکیه کرد.»

از امیرالمؤمنین عليه السلام نیز منقول است:

«وَجَدْتُ الْمُسَالَمَةَ مَا لَمْ يَكُنْ وَهْنٌ فِي الْإِسْلَامِ أَنْجَعُ مِنَ الْقِتَالِ»؛<sup>۲</sup> مسالمت را تا زمانی که وهنی به اسلام وارد نشود، سودمندتر از جنگ یافتم.»

در اسلام روابط میان انسانهایی که به خدای متعال ایمان دارند و مطیع اوامر او هستند، بر اصل رحمت استوار است. این اصل، حتی بر روابط میان مؤمنین و غیر مسلمانان نیز حاکم است. به طور کلی، تا

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین محدث

نوری، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۳۶.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی

آمدی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ش، ص ۴۴۵.

۳. فتح/ ۲۹.

می ساختند.

روزی مردی مسیحی به امام باقر علیه السلام با لحنی جسارت آمیز عرض کرد: تو «بقر» هستی. امام علیه السلام فرمودند: نه، من «باقر» هستم. گفت: تو فرزند زنی آشپز هستی. فرمود: این شغل او بوده است. گفت: تو فرزند یک سیاه حبشی نابکار هستی. فرمود: اگر راست می گویی، خدا از او بگذرد و اگر دروغ می گویی، خدا از تو بگذرد. مسیحی [در شگفت از چنین روح بزرگی] مسلمان شد.<sup>۱</sup>

از این گونه وقایع در زندگانی

ائممه علیهم السلام بسیار اتفاق افتاده است که به جهت اجتناب از اطاله کلام، تنها به برخی از آنها فهرست وار اشاره می کنیم:

- برخورد کریمانه پیامبر صلی الله علیه و آله با قریش در فتح مکه.<sup>۲</sup>

۱. «قَالَ لَهُ نَصْرَانِيٌّ أَنْتَ بَقْرٌ. قَالَ لَأ، أَنَا بَاقِرٌ. قَالَ أَنْتَ ابْنُ الطَّبَاخَةِ؛ قَالَ ذَاكَ حَرَفْتَهَا. قَالَ أَنْتَ ابْنُ السَّوْءَاءِ الزَّنَجِيَّةِ الْبَدِيَّةِ؛ قَالَ إِنْ كُنْتُ صَدَقْتُ، غَفَرَ اللَّهُ لَهَا وَإِنْ كُنْتُ كَذَبْتُ، غَفَرَ اللَّهُ لَكَ. قَالَ فَأَسْلَمَ النَّصْرَانِيٌّ.» بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، محمدا باقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۴۶، ص ۲۹۰.

۲. بعد از آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مکه شدند، بزرگان قریش داخل کعبه رفته و به اصطلاح بست نشستند؛ چون گمان نمی کردند با آن همه جنایات که کرده بودند جان سالم به دربرند. در این هنگام، رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجدالحرام شدند و تا جلوی در کعبه پیش آمدند و در آنجا ایستاده، سخن آغاز کردند و فرمودند: «...هان ای مردم مکه! برای

- مواجهه پیامبر صلی الله علیه و آله و آن یهودی که ادعا می کرد از حضرت طلبکار است.<sup>۳</sup>

- قضیه به محکمه رفتن امیرالمؤمنین علیه السلام و مرد یهودی به خاطر اختلاف بر سر مالکیت زره جنگی.<sup>۴</sup>

- برخورد کریمانه و صبورانه امیرالمؤمنین علیه السلام با خوارج.

- برخورد بزرگوارانه امام حسن مجتبی علیه السلام در برابر گستاخی و بی ادبی مرد شامی.<sup>۵</sup>

پیامبر خدا همسایگان بسیار بدی بودید. نبوت و دعوتش را تکذیب کردید و او را از خود راندید و از وطن مآلوفش بیرون کردید و آزارش دادید و به این اکتفا نکردید؛ بلکه حتی به محل هجرتم لشکر کشیدید و با من به قتال پرداختید. با همه این جنایات، بروید که شما آزادشدگانید. وقتی این صدا و این خبر به گوش کفار مکه - که تا آن ساعت در پستوی خانه ها پنهان شده بودند - رسید، مثل اینکه سر از قبر برداشته باشند، همه به اسلام گرویدند. این در حالی است که مکه با لشکرکشی مسلمین فتح شده بود و طبق احکام اسلامی تمامی مردمش غنیمت و بردگان اسلام محسوب می شدند؛ ولی رسول خدا صلی الله علیه و آله همه را آزاد کرد. از این جهت پیامبر صلی الله علیه و آله درباره آنان تعبیر "طلقاء" (آزادشدگان) را به کار بردند. نکته ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص: ۶۶۱؛ و نیز رکنه الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۲۲۶.

۳. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، صدره، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴. «رفتارشناسی امام علی علیه السلام همزیستی، حسین سیلی، مجله شمیم یاس، شماره ۲۸، (تیر ۱۳۸۴)، ص ۳۴.

۵. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۹.



## خداشناسی اسلامی

برخی از اوصاف الهی، علاوه بر اینکه وصف حضرت باری تعالی می‌باشند، نحوه ارتباط حق تعالی با مخلوقات را نیز مشخص می‌سازند. بر اساس آموزه‌های اسلام، عام‌ترین صفت خدای متعال در ارتباط با بندگانش، صفت «رحمت» است.

رحمت خداوند مختص به انسانها نیست؛ بلکه تمام آفرینش را در برمی‌گیرد: «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ». خدای متعال رحمت را بر خود واجب کرده است: «كُتِبَ عَلَيَّ نَفْسِي الرَّحْمَةَ»، به نحوی که خلقت و تکامل موجودات بر اساس رحمت الهی صورت می‌گیرد.

امام خمینی علیه السلام در این‌باره می‌فرماید: «رحمت رحمانیه مقام بسط وجود است و رحمت رحیمیه مقام بسط کمال وجود، پس با رحمت رحمانیه اصل وجود ظهور یافته، و با رحمت رحیمیه هر چیزی به کمال معنوی و هدایت باطنی خود می‌رسد»<sup>۷</sup>

البته در قرآن و روایات اوصاف دیگری

- و ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به تبع ایشان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بر هدایت مردم حریص بودند: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ»<sup>۱</sup> و تنها با چنین مهربانی و رحمتی است که می‌توان چنان رفتارهای کریمانه‌ای را توجیه کرد. مبلغی که دلسوز و مهربان نباشد، نمی‌تواند در تبلیغ به موفقیت نائل گردد و اساساً این رحمت است که راه نفوذ و اثرگذاری در مخاطب را هموار می‌سازد؛ زیرا انسان بنده احسان است «الْإِنْسَانُ عَبْدٌ الْأِحْسَانِ»<sup>۲</sup> و با احسان می‌توان قلوب را تصاحب کرد: «بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ» و «سَبَبُ الْمَحَبَّةِ الْإِحْسَانُ»<sup>۳</sup>

## مبانی اصل رحمت

در اینجا به مهم‌ترین مبانی فکری رحمت اشاره می‌کنیم، هر چند به نظر می‌رسد که با تحقیق و بررسی بیشتر می‌توان به موارد دیگری نیز دست یافت.

۵. اعراف / ۱۵۶.

۶. انعام / ۱۲.

۷. شرح دعای سحر، روح‌الله خمینی علیه السلام، ترجمه سید احمد

فهری، مؤسسه خیرخواه، تهران، ۱۳۵۹ش، ص ۸۰ و ۸۱.

۱. رک: ترجمه میزان، ج ۹، ص ۵۶۱.

۲. توبه / ۱۲۸.

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۵.

۴. همان، ص ۳۸۶.

برای خدا چون رحمان، رؤف، وکود، محبّ و ... بیان شده است که می توان از آنها نیز به رحمت الهی نسبت به بندگانش پی برد:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾<sup>۱</sup> به نام خداوند بخشنده مهربان.

﴿وَاللَّهُ رُؤْفٌ بِالْعِبَادِ﴾<sup>۲</sup> و خداوند نسبت به بندگان مهربان است.

﴿إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤْفٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۳</sup> همانا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است.

﴿إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ﴾<sup>۴</sup> پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است.

﴿وَ أَحْسَنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾<sup>۵</sup> و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست دارد.

البته برخی از این اوصاف، (مثل رحمانیت) عام و فراگیر است؛ ولی برخی به گروه خاصی مربوط است، مثل رحیم بودن خداوند که فقط شامل حال مؤمنین می شود:

﴿وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا﴾<sup>۶</sup> یا مثل محبت

الهی که شامل محسنین،<sup>۸</sup> توابین، متطهرین<sup>۹</sup> و متّقین<sup>۱۰</sup> می شود؛ ولی ظالمین،<sup>۱۱</sup> کافرین<sup>۱۲</sup> و معتدین<sup>۱۳</sup> را در بر نمی گیرد.

در روایات و به خصوص در ادعیه و مناجات های منقول از ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز به رحمت الهی به طور فراوان و به صورتهای مختلف اشاره شده است. به عنوان نمونه فقط به برخی از فقرات «دعای جوشن کبیر» اشاره می کنیم:

«يَا حَلِيمُ» (۱)، (ای بردبار!)؛ «يَا حَنَّانُ» (۵)، (ای مهرورز!)؛ «يَا ذَا الْعَفْوِ وَ الرِّضَاءِ» (۸)، (ای صاحب بخشش و سخا!)؛ «يَا كَاشِفَ كُلِّ مَكْرُوبٍ، يَا فَارِجَ كُلِّ مَهْمُومٍ» (۱۰)، (ای برطرف کننده غم هر بیچاره ای گشایش دهنده هر اندوهگین!)؛ «يَا عُدَّتِي عِنْدَ شِدَّتِي؛ يَا رَجَائِي عِنْدَ مُصِيبَتِي؛ يَا مُوْنِسِي عِنْدَ وَحْشَتِي» (۱۱)، (ای ذخیره من هنگام سختی! ای امید من هنگام مصیبت! ای مونس من هنگام وحشت!)؛ «يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ؛ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ؛ يَا عَوْنَ

۱. این آیه ۱۱۴ بار در قرآن تکرار شده است.

۲. بقره/ ۲۰۷.

۳. همان/ ۱۴۳.

۴. هود/ ۹۰.

۵. بقره، ۱۹۵.

۶. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۳۰.

۷. احزاب/ ۴۳.

۸. بقره/ ۱۹۵.

۹. بقره، ۲۲.

۱۰. آل عمران/ ۷۶.

۱۱. آل عمران/ ۵۷.

۱۲. آل عمران/ ۳۲.

۱۳. بقره/ ۱۹۰.

محدوده معماری جهان آفرینش حرکت می‌کنند که مهندس آن بر اساس هندسه رحمت و لطف، خطوط و اضلاع جانبی آن را ترسیم کرده است.<sup>۲</sup> به عبارت دیگر، اگر ما می‌خواهیم بنده و خلیفه خدا باشیم، باید به صفات الهی آراسته شویم و همان‌گونه که خدا با ما رفتار می‌کند، با بندگان خدا رفتار کنیم. این سیره (رحیم بودن و رحیمانه رفتار کردن) به طریق اولی باید در تبلیغ دین خدا مورد توجه قرار گیرد.

### محبت الهی

خدای متعال، ایمان را محبوب دل آدمی قرار داده است: «جَبَّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيْنَةُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ»<sup>۳</sup> «خدای تعالی ایمان را محبوب شما کرد و در دل‌هایتان زینت داد و کفر و فسوق و عصیان را مورد نفرت‌تان قرار داد.» اساساً در فرهنگ اسلام، دین همان محبت داشتن به خاطر خداست: «هل الدین إلا الحب»<sup>۴</sup>؛ «الدین هو الحب والحب هو الدین»<sup>۵</sup> و خدای متعال بندگان را به راه

الْمُؤْمِنِينَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ يَا مُلْجَأَ الْعَاصِينَ» (۱۴)، (ای فریادرس فریادخواهان! ای امان‌بخش بی‌مناکان! ای کمک‌کننده مؤمنان! ای رحم‌کننده مسکینان! ای پناهگاه عاصیان!)، «يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ» (۱۸)، (ای آن‌که او به هر که نافرمانی‌اش کند، بردبار است! ای آن‌که به هر که امیدش داشته باشد، کریم است!)؛ «يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ» (۱۹)، (ای آن‌که رحمت او بر غضبش پیشی گرفته است!)؛ «يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ؛ يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ؛ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ؛ يَا بَاسِطَ أَيْدِي الدِّينِ بِالرَّحْمَةِ» (۲۲) (ای بزرگ در عفو و گذشت! ای نیکو در گذرنده‌ای که آمرزشت واسع است! ای که دو دست را به رحمت گشوده‌ای!)؛ «يَا مُقِيلَ الْعَثْرَاتِ؛ يَا سَاتِرَ الْعَوْرَاتِ» (۲۴)، (ای درگذرنده از لغزش‌ها! ای پوشاننده عیب‌ها!)؛ «يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ؛ يَا فَخْرَ مَنْ لَا فَخْرَ لَهُ؛ يَا أُنَيْسَ مَنْ لَا أُنَيْسَ لَهُ؛ يَا أَمَانَ مَنْ لَا أَمَانَ لَهُ» (۲۸)، (ای پشتیبان آن‌که پشتیبان ندارد! ای افتخار آن‌که کس که افتخار ندارد! ای انیس آن‌که کس که انیسی ندارد! ای امان‌بخش آن‌که کس که امانی ندارد!) و ...<sup>۱</sup>

بنابراین، «انسانهای پارسا و پرهیزگار در

۲. عرفان و حماسه، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر فرهنگی رجاء، بی‌جا، ۱۳۷۵ش، ص ۱۷ و ۱۸.  
۳. حجرات / ۷.  
۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۲۷، ص ۹۵.  
۵. تفسیر نورالتقلین، عروسی حویزی، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۸۴.

۱. کلیات مفاتیح الجنان، عباس قمی، مؤسسه مطبوعاتی خزر، تهران، ۱۴۱۲ش، ص ۱۹۶.

دوستی و محبت خود برانگیخته است: «ابْتَدِعْ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ ... ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ مَحَبَّتِهِ؛<sup>۱</sup> به قدرت و توانایی خود آفریدگان را آفرید... سپس آنان را در راه اراده و خواست خویشان روان گردانید و بندگان را در راه محبت خودش برانگیخت (محبت خود را در فطرت و سرشت بندگان نهاد).» مؤمنین نیز باید از خدا درخواست کنند که شیرینی محبتش را به آنها بچشانند: «اللَّهُمَّ... أَذِقْنِي بَرْدَ عَفْوِكَ وَحَلَاوَةَ ذِكْرِكَ»؛<sup>۲</sup> «من ذا الذی ذاق حلاوة محبتک فرام منک بدلاً».<sup>۳</sup>

پشتوانه تمامی اوامر و نواهی الهی، محبت انسان به خدا است و ایمان به او و اطاعت از حضرت باری تعالی و پیروی از مقام ولایت، با محبت، پیوند خورده است: «وَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ»؛<sup>۴</sup> «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ»<sup>۵</sup>

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۶</sup>  
«مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ»<sup>۷</sup>

و به این ترتیب، به واسطه تبعیت همراه با محبت از اهل بیت (علیهم السلام)، تمامی اوامر و نواهی الهی با محبت گره می خورد و انسان به وسیله آن، مسیر قرب الهی را طی می نماید: «اتَّقِرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ»<sup>۸</sup>

بنابراین، کمال انسان در گرو بندگی خدا از روی محبت است، لذا عبودیت در قرآن به عنوان فلسفه خلقت جن و انس معرفی شده است، که اگر از روی محبت نباشد، عبودیت مطلوب و ایده آل نخواهد بود؛ یعنی انسان مؤمنی که به طمع بهشت و یا ترس از جهنم بندگی می کند، به کمال مطلوب خویش نخواهد رسید؛ زیرا کمال مطلوب آن است که از روی محبت به بندگی و عبادت خدا پردازد، چنان که در روایات به این معنا تصریح شده است: «إِنَّ الْعِبَادَةَ ثَلَاثَةٌ»<sup>۹</sup>

۱. صحیفه سجادیه، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵، دعای اول، ص ۲۲.  
۲. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۹۴، ص ۱۸۲، دعای روز بیست و هشتم.  
۳. همان، ج ۹۱، ص ۱۴۸، مناجات المحبین.  
۴. البقره / ۱۶۵.  
۵. آل عمران / ۳۲.

۶. آل عمران / ۳۱.  
۷. بخشی از زیارت جامعه کبیره.  
۸. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۹۹، ص ۲۶۷.  
۹. اللاریات / ۵۶: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

حوالک<sup>۳</sup>

البته باید توجه داشت که در طرف دیگر محبت خدا و اولیای او، بغض و نفرت از دشمنان نیز قرار دارد. انسان رشدیافته با محبت الهی، به لحاظ عقلی و عملی، هیچ معبودی جز خدای متعال و هیچ واسطه فیضی جز انبیای عظام و اولیای معصوم علیهم السلام را نمی تواند بپذیرد:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛ ایمان به خدا، عامل الفت و نزدیکی قلوب مؤمنان و رابطه صمیمی آنان با یکدیگر می باشد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾؛ و کفر، عامل دشمنی آنها با مخالفان: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمُودَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي﴾.<sup>۶</sup>

قَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ؛ وَقَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلَبَ الثَّوَابِ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ؛ وَقَوْمٌ عِبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا لَهُ فِتْلِكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛<sup>۱</sup> روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از اصحابشان پرسیدند: کدام یک از دستاویزهای ایمان محکم تر است؟ بعضی گفتند: نماز، بعضی گفتند: زکات، و همین طور روزه، حج و جهاد را نیز مطرح کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن تأیید فضیلت هر یک از این فرائض فرمودند: هیچ یک از اینها جواب سؤال من نبود؛ بلکه استوارترین دستاویز ایمان دوست داشتن و دشمن داشتن به خاطر خداست.<sup>۲</sup>

کوتاه سخن آنکه، می توان گفت: هدف اسلام رسیدن انسانها به مقام محبت الهی است، پس باید به نحوی دین را تبلیغ کرد که بندگان را به سمت این محبت سوق دهد و از آنجایی که جایگاه محبت در قلب است، باید با رحمت، مهربانی، عطوفت، گذشت و مدارا ... به تبلیغ دین پرداخت و با خشم، غضب، بی رحمی و غلظت قلب نمی توان «مُحِبِّ» تربیت کرد: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ

۳. آل عمران / ۱۵۹.

۴. فتح / ۲۹.

۵. حجرات / ۱۰.

۶. ممتحنه / ۱.

۱. الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۸۴.

۲. همان، ص ۱۲۵. باب الحب فی الله و البغض فی الله.